

نگاه

اصطلاح «بهار عربی» باید کنار گذاشته شود

ربع قرن عربی

توماس فریدمن، **ترجمه حمیدرضا آریان‌پور**

- به گمانم حالا دیگر رسمیت یافته است؛ اصطلاح «بهار عربی» باید کنار گذاشته شود. هیچ چیز بهمانندِی در حال وقوع نیست. شاید بحث استراتژیست «آنتونی کوردسمن» درست باشد که بهتر است اکنون از «هه عربی» یا «ربع قرن عربی» سخن بگوییم؛ دوره‌ای دراز از بی‌ثباتی درون‌کشوری و درون‌منطقه‌ای که برای آینده ملت‌های عرب به شکل «صلامتی درون یک تمدن» آمیخته می‌شوند. و در پایان: «نتیجه متعاقبا مشخص خواهد شد»

هنگامی که بهار عربی پیش آمد، سلاسه‌ترین قیاس سقوط دیوار برلین بود. حالا آشکار شده که قیاس درست، رویدادی در اروپای مرکزی است، «جنگ سی‌ساله» در قسرن هفدهم، امیزه‌ای از نزاع مذهبی و سیاسی که در نهایت نظم کشوری جدیدی را باعث شد.

کسانی شاید بگویند: «من که گفته بودم هرگز نباید به بهار عربی امید می‌یستید.» این حرف‌ها پوچ است. حکومت‌های مطلقه فاسد که ۵۰ سال گذشته را «باتیات» کرده بودند و تنها فاجعه‌هایی با سرعت آهسته بودند، «گزارش توسعه انسانی جهان عرب» سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ را درباره آنچه کمبود آزادی، نیروبخشی به زنان و دانش در ۵۰ سال گذشته با مردم عرب کرده بخوانید. مصر، تونس، لیبی و یمن امروز بعدیل اینکه رهبران‌شان سرنگون شده‌اند در حال فروپاشی نیستند. رهبران این کشورها سقوط کردند چون آنها سال‌های زیادی مردم زیادی را سرافکنده کردند. نیمی از زنان در مصر هنوز سواد خواندن ندارند. این آن چیزی است که ثبات در ۵۰ سال گذشته به همراه آورده است.

«ها» بهار عربی را شکل ندادیم و «ها» نمی‌توانستیم آن را متوقف کنیم. این خیزش‌ها با مطالبات بدون هراس و قابل اعتمادی برای داشتن شأن و منزلت از سوی جوانان عرب آغاز شدند در جستجوی ابزار و آزادی لازم برای درک پتانسیل کامل آنها. اما به زودی خود را در حال رقابت با دیگر آرزوهای رها شده دیدند. آرزوهایی برای افراط‌گرایی بیشتر، فرقه‌گرایی بیشتر یا برای بازسازی وضعیت پیش.

هنوز دو مساله مرا شاگفت‌زده می‌کند. اول اینکه اخوان‌المسلمین هنوز باکفایتی نشان نداده است. در مصر، اخوان‌المسلمین مارپیچی از مرگ اقتصادی و نظام قضایی گرفتار در مسایلی پیش‌یا افتاده را – چون بازجویی از کم‌دین باسم یوسف، جان اساتوارت مصر یا ادعای توهین به ربیب‌جمهوری محمد مرسی– سرپرستی کرده است. هربار که اخوان‌المسلمین بختی برای اقدام به شیوه‌ای فراگیر یا مصادره قدرت بیشتر را داشته، قدرت بیشتر را انتخاب کرده که اکنون آن را از بستر جامع مورد نیاز برای اصلاحات اقتصادی دشوار اما ضروری محروم کرده است. دومین شگفتی این است که اپوزیسیون دموکراتیک جقدر ضعیف بوده است. ترازوی جدیدی چپ‌های میانه عرب داستانی پیچیده است که مارک لینچ، کارشناس خاورمیانه دانشگاه جورج واشنگتن و نویسنده کتاب «خیزش عربی» آن را اینگونه تفسیر می‌کند: «فقلاب‌های ناتمام خاورمیانه جدید» او می‌گوید که بسیاری از نخبه‌های سیاسی سکولارتر و بیشتر هوادار غرب مصر که می‌توانستند احزاب چپ میانه را رهبری کنند، «از سوی رژیم گذشته» برای احزاب نیمه رسمی‌اش «گزینش» شده بودند و از این رو «در انظار عموم بی‌اعتبار شده‌اند.» این موضوع جوان‌هایی که هیچ‌ وقت حزبی را سازمان ندادند، یا مشتتی از تبعیض‌ها، مقام‌های رژیم پیشین، هواداران ناصر و اسلام‌گرایان لیبرال را باقی گذاشت که تنها ایده مشترکشان این بود که رژیم باید سقوط کند.

لینچ می‌گوید که اخوان‌المسلمین از زمان در دست‌گرفتن قدرت «شکست سیاسی و فروپاشی اقتصادی را سرپرستی کرده است.» «آنها میانه را از دست داده‌اند، به سلفی‌ها نزدیک شده‌اند و حالا به حمایت ۲۵درصدی سقوط کرده‌اند. آنها به هیچ‌ راز انتخاباتی عادلانه راه نخواهند برد. به همین دلیل است که اپوزیسیون باید در انتخابات پارلمانی بعدی حضور یابد نه اینکه آن را تحریم کند. این گفته که باید تا زمان رسیدن به جامعه مدنی معتدل از انتخابات فاصله بگیرید، شکستی اثبات شده است.» او می‌گوید: «شما نمی‌توانید با نشان دادن فیلم به کسی یاد بدهید که بازیکن بسکتبال نشود. آنها باید بازی کنند و اپوزیسیون تا رقابت نکند و نیلزد و نبرد موثر نخواهد بود.» منابع قدیمی ثابت که این منطقه را یکپارچه نگاه می‌داشت از بین رفته‌اند. هیچ قدرت خارجی نمی‌خواهد که با مشتت آهنین این کشورها را اشغال کند زیرا تمام آنچه به دست می‌آورد، هزینه است. هیچ دیکتاتوری هم با مشت آهنین دیگر نمی‌تواند این کشورها را اداره کند چرا که مردم آنها ترس خود را از دست داده‌اند. نخستین دولت‌های منتخب– به رهبری اخوان‌المسلمین– ایده‌های نادرستی دارند. پاسخ مناسب در گزارش توسعه انسانی جهان عرب موجود است. اما جوانان اپوزیسیون دموکراتیک هنوز رهبرانی ندارند که مردم را حول این پیش‌بینیگزند.

با توجه به تمام اینها، گزینه کمتر بد آمریکا استفاده از مشکلات اقتصادی برای پافشاری بر قوانین اساسی دموکراتیک، انتخابات منظم و آزادی سیاسی و انجام هر چیزی است که می‌تواند رهبران میانه اپوزیسیون را برای تلاش برای به قدرت رسیدن تشویق کند. ما باید از هر کسی که می‌خواهد گزارش توسعه انسانیت جهان عرب را به کار گیرد، حمایت کنیم و با کسانیی که می‌خواهند، مخالفت. این تنها راهی است که این جوامع می‌توانند با آن ایستن تنها امیدشان را باورر کنند. نسلی نو از رهبران پاکیزه که می‌توانند تضمین کنند که «ربع قرن عربی» پایان بهتری از آغازش خواهد داشت.

منبع: **نیویورک تایمز**

رئیس‌جمهور ترکیه در گفت‌وگو با روزنامه «شرق الاوسط»:

تشدید اختلافات مذهبی منطقه را منفجر می‌کند

ترجمه: محمدعلی عسگری

عبدالله گل، رئیس‌جمهوری آرام و خوش‌برخورد با آن لبخند همیشگی است که از سال‌ها پیش در صحنه سیاسی ترکیه و منطقه حضور دارد. ارتباط و پیوند دوستانه بین او و «رجب طیب اردوغان» نخست‌وزیر فعلی ترکیه مثال زدنی است، هرچند در این‌پاره حرف و حدیث‌هایی هم وجود دارد. ترکیه مشغول بازنویسی قانون اساسی خود بوده و می‌خواهد نظام پارلمانی را به ریاست‌جمهوری تغییر دهد؛ برنامه‌ای که برخی آن را در راستای عثمانی‌گری جدید ترکیه و بلندپروازی‌های اردوغان تحلیل می‌کنند. عبدالله گل می‌گوید: برایش هیچ‌کدام از این دو نظام فرقی نمی‌کند و او تنها خواستار رعایت معیارهای دموکراتیک در کشورش است. البته در این مصاحبه او درباره تحولات سوریه، تشدید اختلافات مذهبی در منطقه، روابط ترکیه با ایران و عربستان و عراق نیز حرف‌هایی دارد که ترجمه آن را می‌خوانید:

❧ **ترکیه به زودی میزبان «کنفرانس دوستان سوریه» خواهد بود. این کنفرانس قرار است چه کند و مسوولیت جامعه بین‌المللی را در این‌باره چگونه می‌بینید؟**

پیش از هر چیز باید بگویم ما از آنچه در سوریه می‌گذرد ناراحت هستیم. کشوری که در پیش چشم ما ویران می‌شود. ما به عنوان دوستان سوریه این مساله را از همان ابتدا درک کردیم و نسبت به آن هشدار دادیم. ما با دولت سوریه درباره اصلاحات ریشه‌ای صحبت کردیم اما گوش شنوایی وجود نداشت تا اینکه خشونت‌ها به راه افتاد. ما وظیفه خود می‌دانستیم در کنار مظلوم بایستیم. از این رو در کنار ملت سوریه و مخالفان ایستادیم و از آنها حمایت کردیم. طبعاً کسانی که خود را دوستان سوریه می‌دانند نباید تماشاچی باشند. باید برای دست‌یافتن به یک راه‌حل فشاری بین‌المللی وجود داشته باشد تا بتواند دوباره سلامتی سوریه را به این کشور بازگرداند.

❧ **آیا به نظر شما به بقای «سید» در قدرت یا تداوم حزب حاکم می‌توان راه‌حلی برای سوریه پیدا کرد؟ آیا برای پایان‌دادن به این نزاع باید یک دخالت نظامی بین‌المللی صورت گیرد؟**

تمایل اساسی ما این است که بشار اسد با واقع‌نگری عمل کند و گرنه از واقعیت‌ها دور می‌شود. پافشاری او بر آنچه الان انجام می‌دهد حاصلات جز استمرار این ویرانی نخواهد داشت. با این حال ما موافق دخالت نظامی خارجی نیستیم چون عواقب آن روشن نیست. به نظر من ملت سوریه باید به وظیفه خود عمل کرده و نقشه راهی را برای خود ترسیم کند.

❧ **دو ماه پیش با «وری المالکی» نخست‌وزیر عراق صحبتی داشتیم و او گفت که نمی‌خواهد ترکیه در امور کشورش دخالت کند. شما از روابط موجود بین دو کشور راضی هستید؟**

یکپارچگی عراق و حاکمیت و استقلال آن تنها چیزی است که ترکیه نیز آن را می‌خواهد. ما از ابتدای این جنگ اعلام کردیم که ترکیه در امور عراق دخالت نمی‌کند. در مقابل، باید گفت کسانی هستند که در امور عراق اعم از نوشتن قانون اساسی تا ساماندهی سیاسی این کشور دخالت کرده‌اند اما ترکیه تاکنون دست به چنین کاری نزده است. بلکه سعی کرده رابطه‌ای برابر و مساوی با همه گروه‌های عراقی داشته باشد و بین یک طایفه یا دیگری تمایز قابل نشود. ما با دخالت خارجی هر کشوری در کشور دیگر مخالف هستیم. به نظر ما هر کشوری حق دارد خود سرنوشتش را تعیین کند. با وجود برخی کاستی‌ها در روند دموکراسی عراق این درنهایت خود عراقی‌ها هستند که باید امورشان را بدون هرگونه دخالت خارجی مدیریت کنند.

❧ **شما می‌دانید که از دو سال پیش اعتراضاتی در جهان عرب به راه افتاد و در نهایت نیروهای اسلامگرا به قدرت رسیدند. در این میان بسیاری امیدوارند که تجربه ترکیه را تقلید کنند. اما برخی توصیه‌های ترکیه را مبنی بر اتخاذ سکولاریسم به عنوان اساس دولت نمی‌پذیرند. شما به آنها چه توصیه‌ای می‌کنید؟**

به هر حال هر کشوری ویژگی‌های خودش را دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. واقعیت این است که نمی‌توان گفت: درست است که آنچه در ترکیه اتفاق افتاد، می‌تواند برای دیگران الهام‌بخش باشد. به هر حال ترکیه کشوری است با اکثریت مسلمان که اصول دموکراسی را تحقق بخشیده است. لیکن هر کشوری خصوصیات و حساسیت‌های خاص خودش را دارد و باید بهترین راه را برای تحقق اصول دموکراسی به شکلی که مورد رضایت مردم باشد اتخاذ کند. ❧ **شما بارها گفته‌اید که اسلام با دموکراسی تناقضی ندارد. آیا از موفقیت ترکیه نیز در یک دهه گذشته همین هماهنگی بین سکولاریسم و اسلام بوده‌است؟**

دوست دارم قبیل از هر چیز بگویم که بین اسلام و دموکراسی نزاع یا تعارضی وجود ندارد. باید حقوق اساسی افراد و گروه‌ها تضمین شود و این مساله‌ای مهم و حیاتی خواهد بود. انتخاب رهبرانی که بر یک کشور حکومت می‌کنند

باید از درون مردم باشد و این مساله بالاترین اولویت را دارد. بله، در ترکیه قانون اساسی ما مبتنی بر سکولاریسم است. لیکن ما به عنوان یک ملت یا افراد یا یک ملت از اینکه بایبند به اصول اسلامی خود باشیم مشکلی نداریم.

❧ **چندی پیش شما به خاطر به تعویق افتادن طرح قانون اساسی ابراز ناراحتی کردید. گفته می‌شود ترکیه می‌خواهد به یک نظام ریاست‌جمهوری تبدیل شود. تاکنون به کجا رسیده‌اید؟**

تلاشی جدی برای نوشتن دوباره قانون اساسی در جریان است. به نحوی که با خواسته‌های ملت ترکیه هماهنگی داشته باشد. کمیته‌ای موظف شده است تا به صورت توافقی قانون اساسی را تهیه کند. من تردیدهایی در این‌باره داشتم. در حال حاضر مباحثاتی در جریان است که چگونه می‌توان شکل حکومت را از نظام پارلمانی به نظام ریاست‌جمهوری تبدیل کرد. لیکن صرف نظر از نوع و شکل نظام مساله مهم این است که معیارهای دموکراتیک باشد. تحکیم دموکراسی و بیان خواست ملت دو معیار اصلی در این رابطه است که باید در نظر گرفته شود.

❧ **شما از کدام یک دفاع می‌کنید: نظام پارلمانی یا نظام ریاستی؟**

هر کدام از این دو نظام برای من این است مزایایی دارند. مهم برای من این است که معیارهای دموکراسی در آنها رعایت شود و ما در نهایت قانونی داشته باشیم که ملت از آن رضایت داشته باشند زیرا این قانون درنهایت به رفراendum گذاشته خواهد شد تا مردم درباره آن نظر بدهند.

❧ **اجازه دهید به ایران بپردازیم. اگر ایران رفشاری را در پیش گیرد که درنهایت به تولید سلاح اتمی منجر شود ترکیه چه واکنشی در برابر آن خواهد داشت؟**

ما نمی‌خواهیم هیچ یک از همسایگان ما سلاح اتمی داشته باشند. یک اصل کلی که به آن اعتقاد داریم این است که خاورمیانه باید به طور کامل خالی از سلاح‌های اتمی باشد. ما به سهم خود تلاش می‌کنیم که این هدف از راه دیپلماتیک تحقق یابد. در کل ما راحل‌های دیپلماتیک را برای حل بحران‌ها ترجیح می‌دهیم.

❧ **بین مواضع ایران و ترکیه درقبال مسایل سوریه تناقضاتی وجود دارد. ایران تاکنون از مواضع ترکیه انتقادهای زیادی کرده است. نظر شما در این‌باره چیست؟ اختلاف نظر ما و ایران بر سر مسایل سوریه بر کسی پوشیده نیست. ترکیه از همان ابتدا در کنار ملت سوریه ایستاد. موضع ایران هم روشن است. ایران کشور مهمی در همسایگی ماست و ما روابط دوجانبه خوبی داریم. لیکن دوست داریم که این بن‌بست در منطقه از بین برود. چیزی را که می‌خواهم به رهبران کشورهای منطقه بگویم خطر تشدید اختلافات مذهبی و تحریک فرقه‌گرایی بین مذاهب است. این مساله درناکی است. این باید به شکلی قاطع از آن پرهیز شود. به باور من دعوت‌های مذهبی در منطقه هیچ ارتباطی با دین و اصول آن ندارد بلکه بیشتر به انگیزه‌های صرف سیاسی صورت می‌گیرد. این مساله‌ای بسیار خطرناک است و می‌تواند به یک انفجار تبدیل شود. این آزمون بزرگی برای منطقه است و نباید در دام تفرقه‌های مذهبی بیفتد. در گذشته درباره امکان وقوع جنگ تمدن‌ها حرف زدیم و نسبت به آن هشدار دادیم. امروز آنچه را که مشاهده می‌کنیم انفجار است.**

❧ **این درگیری‌ها و نزاع‌ها در داخل یک مذهب یعنی اسلام است. مسلمانان امکانات زیادی دارند که در صورت وقوع چنین نزاع‌هایی همه به هدر خواهند رفت و هرگز ما را به مسیر مطمئنی هدایت نمی‌کند.**
❧ **اما بعضی شما را متهم می‌کنند که می‌خواهید جنگی سنی را به راه‌اندازید. آیا شما خود را واقعا نماینده اهل سنت می‌دانید؟**
من چنین ادعاهایی نمی‌بینم. در رابطه با ما باید گفت ما از این یا آن گروه حمایت می‌کنیم و این یک واقعیت است. چرا که می‌خواهیم ثبات در منطقه حاکم باشد و همه مسلمانان در فضایی آزاد و دموکراتیک زندگی کنند. در کشور ما شیعه و سنی در کنار هم زندگی می‌کنند و باید فضایی از همکاری و تفاهم و دموکراسی بین آنها وجود داشته باشد. اگر می‌خواستیم فقط از یک مذهب – برای مثال اهل سنت – دفاع کنیم که در مقابل صدام‌حسین نمی‌ایستادیم یا به دفاعی نمی‌گفتیم تو داری اشتباه می‌کنی.

❧ **ببین اسلام و دموکراسی نزاع یا تعارضی وجود ندارد. باید حقوق اساسی افراد و گروه‌ها تضمین شود و این مساله‌ای مهم و حیاتی خواهد بود. انتخاب رهبرانی که بر یک کشور حکومت می‌کنند باید از درون مردم باشد و این مساله بالاترین اولویت قانون اساسی ما مبتنی است بر سکولاریسم است**

❧ **اجازه دهید به ایران بپردازیم. اگر ایران رفشاری را در پیش گیرد که درنهایت به تولید سلاح اتمی منجر شود ترکیه چه واکنشی در برابر آن خواهد داشت؟**
ما نمی‌خواهیم هیچ یک از همسایگان ما سلاح اتمی داشته باشند. یک اصل کلی که به آن اعتقاد داریم این است که خاورمیانه باید به طور کامل خالی از سلاح‌های اتمی باشد. ما به سهم خود تلاش می‌کنیم که این هدف از راه دیپلماتیک تحقق یابد. در کل ما راحل‌های دیپلماتیک را برای حل بحران‌ها ترجیح می‌دهیم.



زندگینامه عبدالله گل در یک نگاه

استادیار اقتصاد بین‌المللی دوباره به ترکیه بازگشت.

– در همان زمان به‌عنوان نماینده حزب راه ترکیه از منطقه سقاریه به مجلس راه یافت و بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ عضو کمیته برنامه‌ریزی و دارایی بود. در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ عضو کمیته خارجی پارلمان ترکیه شد.

– با انحلال حزب راه در سال ۱۹۹۹ به عضویت حزب فضیلت درآمد و بعد از ممنوعیت فعالیت این حزب در سال ۲۰۰۰ حزب عدالت و توسعه را بنیانگذاری کرد. در سال ۲۰۰۱ به همراه دوستش رجب طیب اردوغان دوباره وارد پارلمان شد و یکبار دیگر نیز در سال ۲۰۰۷ به عضویت پارلمان درآمد. یعنی زمانی که عبدالله گل خود را برای ریاست‌جمهوری نامزد کرده بود، اما نظامیان نگذاشتند انتخاب شود.

– درنهایت در همان سال بود که توانست در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری



عکس: Reuters

آنچه را ما در عمل می‌خواهیم این است که همه مسلمانان به‌رغم اختلاف کشورهایشان در امنیت و آسایش زندگی کنند و با شیوه‌هایی دموکراتیک به ملت‌شان خدمت کنند. ببینید چگونه جهان مسیحیت براساس همین معیارهای دموکراتیک در کنار یکدیگر باامنیت و آرامش زندگی می‌کنند. ولی ما به عنوان مسلمانان یک منطقه از آن بی‌بهرایم. وقتی من این حرف‌ها را می‌زنم، قدمم صدور یک نمونه خاص از حکومت نیست. می‌توانند حکومت‌ها با یکدیگر اختلاف داشته باشند. یکی جمهوری باشد دیگری سلطنتی. اما خوشبختی و سعادت ملت‌ها از مهم‌ترین معیارها در این رابطه است. این ملت‌ها هستند که شکل حکومت‌های خود را انتخاب می‌کنند و مادام که این حکومت‌ها در خدمت مردمشان باشند و رضایت آنها را جلب کنند مشکلی پیش نمی‌آید.

❧ **رابطه ترکیه و عربستان سعودی را چگونه می‌بینید؟**
روابط دو کشور در حال توسعه است و در همه سطوح اقتصادی و سیاسی و… به پیش می‌رود. دبیرهای مختلفی صورت می‌گیرد و روابط در همه سطوح حتی در زمینه‌های امنیتی و نظامی و صنایع دفاعی درحال تقویت است. اخیرا رئیس ستاد ارتش عربستان از ترکیه و رئیس ستاد ارتش ترکیه از عربستان دیدار داشتند. باید گفت روابط در همه زمینه‌ها در حال گسترش است.

❧ **شخص شما چه خاطراتی از عربستان و به طور مشخص از جده دارید که سال‌های طولانی در آن زندگی کرده‌اید؟**

خاطراتی بسیار زیبا دارم. دخترم متولد آنجاست. من و همسرم تمام مناطق و کوچه پس‌کوچه‌های جده را می‌شناسیم. طبعاً همسرم بازارهای جده را خوب می‌شناسد. می‌دانیم که مجتمع‌های تجاری جدید در آنجا ساخته شده است. وقتی به آنجا می‌رویم و اینها را می‌بینیم احساس غرور می‌کنیم.

❧ **این روزها شما به عنوان یک رئیس‌جمهوری چه می‌خواید؟**

بیشتر تاریخ می‌خوانم. کتاب‌های زیادی درباره مسایل سیاسی و فکری هست که علاقه‌مند هستم آنها را بخوانم. اما به عنوان یک رئیس‌جمهوری الان بیشتر بر مسایل تاریخی تمرکز می‌کنم.

❧ **از بین نویسندگان و روشنفکران کسی هست که بر شما اثری گذاشته باشد؟**

در ترکیه نسل ما از روشنفکران زیادی سود برده است. در راس آنها فاضل قیصا کورک قرار داشت که نسل من در رشد فکری خود از او استفاده‌های زیادی کرد.

❧ **برخی از رهبران فیلم‌ها مخصوصی دوست دارند. برای مثال باراک اوباما رئیس‌جمهوری آمریکا علاقه‌مند به تماشای فیلم‌های کم‌دی است. گفته می‌شود امیر کویت فیلم‌های تاریخی را ترجیح می‌دهد. شما چه نوع فیلم‌هایی را ترجیح می‌دهید؟ این فیلم‌ها را با خانواده نگاه می‌کنید؟**

امکان مشاهده فیلم در کنار خانواده و فرزندان را ندارم. چون آنها در خارج زندگی می‌کنند. تنها با همسرم فیلم می‌بینم. آخرین فیلمی را که دیدم «لینکلن» بود که فیلم خوبی بود و از آن لذت بردیم.

منبع: **شرق الاوسط**

دربچه

زنان قربانی خشونت‌های اجتماعی

دکتر نوال السعداوی

● چند روز پیش زنان ونزوئلا برای سوگواری «هوگو چاوز» به خیابان‌ها ریختند. به دنبال آن زنان انگلیسی و قبران این کشور نیز برای جشن گرفتن به مناسبت مرگ «مارگارت تاچر» به خیابان‌ها ریختند. این مساله یکبار دیگر نشان داد که جنسیت یا عامل بیولوژیک نوع تفکر انسان و شیوه رفتار فردی یا اجتماعی او را تعیین نمی‌کند و آنچه را «زیگموند فروید» دراین‌باره گفته درست نیست. می‌گویند زنان بیش از مردان کینه‌توز و وحشی هستند و مارگارت تاچر، مادلین آلبرایت، کوندالیزا راس، آنگلا مرکل، سال پیلین و جولیا پیرسون را به عنوان نمونه می‌آورند. فردی که «اوباما» او را به ریاست محققان مخفی خود منصوب کرد تا مشغول حراست از رئیس‌جمهوری باشد، «جولیا پیرسون» برای این منصوب شد تا بتواند جلوی شهوت‌رانی مردان ضعیفی را بگیرد که بعد افشا شد در جریان دیدار اوباما از کلمبیا در هتلی دست به اعمال خلاف غنّت زده بودند. طی دهه ۸۰ قرن گذشته من به شخصه در چندین تظاهرات مردمی و زنانه در لندن و نیویورک و … شرکت کردم. برخی از آنها علیه سیاست‌های مارگارت تاچر و «رنالد ریگان» بود. کسانی که تعالیم انجیل را به بازی گرفته و با آن تجارت می‌کردند و در حال حان اعضای انسانی را در بازارهای سیاه خریدوفروش می‌کردند. آنها با پول‌های به دست آورده از این راه بر سر صندوق‌های رای به دادوستد می‌پرداختند یا در جاهایی برای غارت‌های اقتصادی خود در سایر کشورها دست به محلات نظامی می‌زدند و تحت نام حمایت از هویت ملی هزاران نفر را قربانی می‌کردند. ایپیمی این سیاست‌ها و روش‌ها دارد به کشورهای ما هم می‌رسد یا این تفاوت که به جای هویت آمریکایی و اروپایی از هویت عربی سخن به میان می‌آید.

چاوز کسی بود که با نیروهای استعمار جهانی به مبارزه برخاست و او را به انواع اتهام‌ها در جمله کفر و کمونیسم و افراط‌گرایی و دیکتاتوری متهم ساختند. این روزی بود که برای هر مبارز دیگری در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین اتفاق می‌افتد. با این حال او موفق شد در آمده‌های نفتی کشورش را از راهان استعمارگران بیرون کشیده و ملتش را از فقر و خشونت و تفرقه که ریشه‌های طبقاتی داشت نجات دهد. مارگارت تاچر در دوران حکومتش برحقق آن یک‌درصد ثروتمندان افزود و فقر ۹۹درصد فقیران را دو چندان کرد. تاچر اختلافات طبقاتی و رقابت‌های فردی را تحت عنوان آزادی‌های فردی ترویج کرد و به نام تعالیم عالی کلیسا و اخلاق از ارزش‌های مردسالاری قدیم دفاع و برای حمله به تظاهرات‌کنندگان از سلاح پلیس و گاز اشک‌آور استفاده کرد. در سال ۱۹۸۲ من با چشم خودم هزاران نفر از زنان، مردان، جوانان و حتی کودکان را دیدم که در برابر تانک‌های نظامی آمریکایی در «گرینپام کمان» واقع در نزدیکی لندن دراز کشیده بودند و تاچر مانند دوستش ریگان در رساله‌ها ریاکارانه ختایلی را وارونه می‌کرد. در دوران او بود که امپراتوری رسانه‌ای «مردوک» رشد کرد و این اواخر مجبور شد به دلیل رسوایی‌هایش کنار بکشد. اسنادی که اخیراً از سوی بریتانیا منتشر شد نشان می‌داد دولت تاچر به اسرائیل اجازه داده بود اگر احساس تهدید کرد از سلاح اتمی خود استفاده کند. گزارش سفارت بریتانیا در تل‌آویو نشان می‌داد که این موضوع در دیدار تاچر و «مناهیم بگین» نخست‌وزیر اسرائیل در آن زمان طرح شده بود و استعمار آمریکایی بریتانیایی هرگز دست از حمایت اسرائیل نکشیده و همواره با تمام توان اقتصادی، رسانه‌ای، نظامی و حتی مذهب‌ای اتمی خود از این رژیم حمایت کرده‌اند. آنها در همان حال که هر دولتی که قصد دارند زنانه‌ای هسته‌ای حتی به صورتی صلح‌آمیز داشته باشند، مخالفت کرده و نمونه این کارشکنی‌ها را در مورد مصر و امروزه ایران و کشمیه‌ای بارها و بارها دیده‌ایم. جنبش‌های آزادی زنان در تاریخ بشری همزمان با جنبش‌های آزادی بردگان که می‌خواستند از بند خشونت و قهر طبقاتی و نظام‌های پدرسالارانه مبتنی بر زن‌پدرستی رها شوند، شروع شد و به آنجا رسید که امروزه به طور علمی تبدیل شده و مثل پزشکی، مهندسی، شیمی، فیزیک و زیست‌شناسی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود.

خشونت‌های اقتصادی از خشونت‌های جنسی علیه زنان و طبقات فقیر جامعه جدا نیست و این همه تحت رژیم‌های سرمایه‌داری اعم از قدیم و جدید در جریان است. برخی جریان‌های تندرو نیز در این میان عامل تثبیت‌کننده هستند و جریان سلفی‌ها امروزه هم به یکی از اضلاع این نظام سرمایه‌داری بین‌المللی تبدیل شود. به هر حال زنان و جوانان و خیل بیسکاران و فقرآچارهای جز ادامه انقلاب‌شان بر علیه فشارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای – بدون تفکیک هیچ یک از اینها- نظام سرمایه‌داری ندارند. شاید در کشورهای مانند آمریکای لاتین ازجمله ونزوئلا، برزیل، کوبا و … نتایجی به دست آمده باشد. طبعاً نیروهای وابسته به نظام سرمایه‌داری همچنان در کمین رهبران جنبش‌های ملی هستند مانند آنچه در شیلی و بر سرر دولت «آلنده» آمد. شاید چاوز برای مقابله با این نیروها و آزادی نفت و اقتصاد کشورش تا حدودی موفق بوده باشد اما آیا او توانسته است طبقات فقیر جامعه را به لحاظ فرهنگی و آموزشی و رسانه‌ای و اجتماعی نیز رهایی بخشد؟

● **النوال سعداوی**: نویسنده، فعال اجتماعی، فمینیست و پزشک مصری زاده ۲۷ اکتبر ۱۹۳۱ است. او در سال ۱۹۵۵ لیسانس پزشکی و جراحی را از دانشگاه قاهره و کارشناسی ارشد پزشکی را در سال ۱۹۶۵ از دانشگاه کلمبیای نیویورک گرفت و در دانشگاه «عین شمس» قاهره به بررسی علمی – موضوعی درباره روش‌شناسی پرداخت. او علاوه بر زبان عربی با دو زبان انگلیسی و فرانسه آشناست. در حاشیه ماندن زنان، برای سعداوی، همیشه پرسش‌برانگیز بوده است. او، نبود دموکراسی و آزادی را در مصر، عامل عقب‌ماندگی و ناآگاهی هموطنانش می‌داند.

منبع: **الاهرام**